

پیام به مناسبت جلسه بزرگداشت از شخصیت و مبارزات داکتر عزیز گردیزی

دوستان ارجمند، حاضران گرامی!
قبل از همه از تمام دوستانی که این محفل را بخاطر بزرگداشت از کارها و مبارزات داکتر گردیزی عزیز دایر کرده اند، صمیمانه تشکر کرده و این اقدام پسندیده را بمتابه شیوه درستی برای زنده نگهداشتن و یا ایجاد یک فرهنگ زندگی پرست ارج می گزارم.

دوستی ها نیز عمر خود را دارند.

هر چند اولین آشنایی گذرای من با داکتر گردیزی در سال ۱۹۷۴ در آلمان صورت گرفت، اما آشنایی، دوستی و نوعی از مبارزات موازی ما در سال ۱۹۷۶ آغاز گشتند. بدینصورت آشنایی و دوستی من و داکتر گردیزی گرامی امسال چهل ساله شد. چهل سالی که نتنها افغانستان عزیز بارها دگرگون گردید که درین چهل سال جهان آنقدر تغییراتی بخود پذیرفت که در گذشته ها حتی در چند صد سال ممکن نبود. تصادف زندگی ما و در عین حال تصادف دوستی ما درین چهل سال در عین حال محکی بود بر استواری ما در مقابل آرمان ها و تعهد های ما. پیش از دهه نود مسیحی، من و آقای دکتور عزیز گردیزی هر چند بغیر از دورانی که در یک نهاد محصلی با هم، هم تشکیلاتی بودیم شرایطی پیش نیامد که در نهاد های سیاسی مشترک با هم یک جا عضو باشیم.

اما بعد از ختم دوران زندان و برگشتن دوباره ام به آلمان، شرایطی پیش آمدند که با داکتر گردیزی بیشتر در زمینه های گوناگون مبارزه سیاسی در رابطه باشیم و در عین حال مبارزه مشترک را با سایر همزمان ما در محیط خارج از کشور به پیش ببریم. اما من و داکتر عزیز گردیزی گرامی با وجود تشابه فکری و گاهی اختلاف فکری همیشه تا جای که از خود ما شناختی دارم، برای یک امر اندیشیده ایم: اینکه جنبش چپ افغانستان ازین مخصه که به آن گرفتار آمده، چگونه می تواند رهایی یابد؟

جنبش چپ افغانستان و در کنار آن جنبش دموکراتیک عدالت خواهانه افغانستان بیشتر از هر زمان دیگری در زمینه تئوریک محتاج دگرگونی فکری عمیق است. اگر در دهه های شصت و هفتاد و تا جایی دهه هشتاد میلادی، جنبش چپ افغانستان بموازات جنبش های جهانی پیش می رفت و از منابع تئوریک مشترکی تغذیه می گردید، با فراز آمدن دهه نود میلادی که اوضاع جهان تغییراتی فراوانی بخود دید و بحران عمیقی را جنبش چپ جهانی نیز پذیرا گردید، اکنون بیشتر از هر زمانی دیگر، جنبش چپ و عدالتخواهانه افغانستان ضرورت به این دارد که منابع تئوریک خود را بیشتر خود تدارک ببیند و برای برون آمدن از بحران، راه های مشخصی خود را بجوید.

با این وضع کار سنگینی در برابر جنبش چپ امروز و فردای افغانستان قرار می‌گیرد که بدون اجرای آن، وجود جنبش عدالتخواهانه در افغانستان در معرض نابودی قرار خواهد گرفت. در افغانستان به علت قرن‌ها بی‌حرکتی و کم‌حرکتی اجتماعی، همانند جوامع همسان خود، تغییرات فکری اسیر کنده اجتماعی است. تابو سازی و بت سازی و نفوذ مذهب پنهان حتی در قالب پیشرفته‌ترین نظریات و تئوری‌های جهانی که وارد عرصه تفکر افغانستان می‌گردند، تقریباً اجتناب‌ناپذیر بوده است. در افغانستان معمولاً "مبارزه" و "پدیده شجاعت" که یک رکن بسیار مهم مبارزه اجتماعی است، اشتباه گرفته شده‌اند.

این شجاعت بی‌تفکر و اندیشه که خاصه تنها جنبش عدالتخواهانه چپ نبوده بلکه یک پدیده رایج در تمام حلقه‌ها و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی است، در بخش جنبش چپ که باید متکی بر پیشرفته‌ترین دانش و آگاهی سیاسی و اجتماعی باشد، بیشترین ضربات خود را وارد آورده است.

اما شجاعت برای اندیشیدن و طرد تابو‌ها و کلیشه‌ها، شجاعت در ارزیابی خود و دیگران، و شجاعت در پذیرفتن اشتباهات خود و متعاقباً برطرف کردن این اشتباهات، از آن پدیده‌های نایابی‌اند که کمتر نمونه درخشانی از خود بجا گذاشته‌اند.

امروزه جنبش ما و بخصوص اینکه ما نسل دوم در مبارزه جنبش چپ نداشتیم، در کنار سایر عوامل بر می‌گردد به اینکه نبردگاه تئوریک ما کمتر شجاعتمندان خود را داشته است. تا زمانی که این نقیصه در جنبش ما برطرف نگردد، ما همچنان باید جور درماندگی کنونی را بکشیم.

بقول آن اندیشمند بزرگ تمام اعصار که می‌گوید: "سرنوشت مبارزات قبل از همه در باریکادهای تئوریک تعیین می‌گردد." نمی‌توان این عرصه کبیر را کم‌اهمیت داد.

داکتر عزیز گردیزی گرامی، خوشبختانه از همین معدودی از شجاعتمندانی است که درین عرصه کوشیده است به سهم خود این نبردگاه مهم و حیاتی را فروغ ببخشد.

صحبت‌های جلسات، سخنرانی‌ها، مقالات، و کتاب‌های از قلم داکتر گردیزی عزیز همه درین مسیر بوده‌اند تا چراغ اندیشه‌گری همیشه پر فروغ بماند و این عرصه همچنان داغ و پر از شور زندگی باشد.

داکتر گردیزی عزیز، درین زمینه هم‌زمان هم تشکیلات و هم‌زمان خود در سایر عرصه‌ها را کمک کرده است، تا چراغ‌داری عرصه تفکر را دست‌کم نگیرند و برای بیرون شدن از ابهام کنونی در پرتو دانش سیاسی خلاق گام بگذارند.

افتخار دارم که شاهد هستم، یک شخصیت محترم، رفیق مبارز، یک اندیشه‌گر توانا و یک دوست گرامی خود یعنی داکتر گردیزی عزیز را چنین بارور و پرثمر می‌بینم و به تکریمی که شایسته اوست می‌پردازیم.

برای رفیق ارجمند خود داکتر عزیز گردیزی گرامی که از شخصیت‌های مبارز و از رهبران

جنبش چپ افغانستان در داخل و خارج کشورند، آرزوی طول عمر، سلامتی کامل و پیروزی
های هر چه بیشتر می کنم.
امیدوارم جناب گردیزی همچنان پیشقدم در تمام عرصه های مبارزه مخصوصا بخش تفکر
بمانند و از قلم و آگاهی شان، شکوفه های بیشتری که نوید فصل بهار جدید جنبش
عدالتخواهانه باشد، در باغستان امروز و آینده افغانستان جلوه نمایی کنند.

با درود های رفیقانه

فاروق فارانی
ویسبادن، آلمان
۵ آگست ۲۰۱۶